

« چگونه رانندگی کنیم که تصادف نکنیم »

● سرتیپ ۲ احمد منصوری - کارشناس بیمه آسیا

در دنیای پیشرفته و صنعتی امروز اتومبیل نقش ویژه‌ای را در زندگی مردم داراست. با حرکت اتومبیل‌ها، تراکم ترافیک روز به روز در حال تزايد است و به همین نسبت جامعه با سوانح و تصادفات گوناگون رانندگی روبرو شده است.

زیان‌های ناشی از تصادف اتومبیل‌ها گاهی جبران ناپذیر و زمانی خانمان برانداز است. شایسته است، رانندگان بیش از هر طبقه دیگر نگران تصادف‌های رانندگی باشند؛ زیرا غالباً سوانحی که گریبان آنها را می‌گیرد، تنها به خود آنها منتهی نمی‌شود، بلکه پای خانواده‌های دیگری را به میان می‌کشد. از طرفی ممکن است انسان‌های معدودی از طبقات جامعه برای وقت خود آن طور که بایسته است، ارزش قائل نشوند اما برای یک راننده زمانی پیش می‌آید که لحظه‌ها و ثانیه‌هایش مفهوم آفرین است. به طور مثال اگر راننده‌ای بخواهد با یک ثانیه تأخیر پای خود را از روی پدال گاز برداشته، روی پدال ترمز بگذارد، کار از کار گذشته است.

بدون تردید دقت، احتیاط و اجرای مقررات صحیح در رانندگی عوامل مؤثری در پیشگیری از تصادفات رانندگی است و به قول معروف می‌بایست راننده‌ای باشیم که انتظار داریم دیگران باشند و در رانندگی آنچه را که به خود نمی‌پسندیدیم، بر دیگران روا نداریم.



چشم راننده ظاهر می‌شود بلافاصله در مغز از خود عکس‌العمل به خرج می‌دهد. مراحل این فرایند عبارتند از:

- ۱ - رویت خطر به وسیله چشمان.
- ۲ - تصمیم‌گیری به وسیله مرکز فرماندهی بدن (مغز).
- ۳ - ابلاغ از طریق مرکز فرماندهی بدن (یعنی مغز) به اعصاب دست و پا.
- ۴ - فشردن پدال ترمز توسط پا و گرداندن فرمان ماشین به چپ یا راست توسط دست‌ها.

همانگونه که برای کلیه متقاضیان محترم دریافت گواهینامه روشن است، در زمان فراگیری آموزش عملی رانندگی، آموزشگاه‌ها صرفاً به تعلیم رانندگی و اجرای مقررات مربوط به آن مبادرت می‌ورزند و تاکنون هیچ مؤسسه و سازمانی به فکر آن نبوده که اصول صحیح جلوگیری از تصادفات را به رانندگان بیاموزد. پس از مطالعات و تجربیات بسیار به این نتیجه رسیدیم که چشم و مغز رانندگان وسیله مؤثری برای رانندگی سالم و بی‌تصادف است، زیرا خطری که در جلوی

رانندگی باشد چه فاصله‌ای را اتومبیل طی می‌کند تا راننده بتواند اقدام به عکس‌العمل کند.

بتواند اقدام به «عکس‌العمل یا ترمز کردن بنماید»، به طور مثال اگر راننده‌ای با سرعت ۷۲ کیلومتر در ساعت در حال

برای انجام این چهار مرحله برابر محاسبات انجام شده به حداقل ۰/۶ ثانیه و حداکثر ۱ ثانیه زمان لازم است، تا راننده‌ای

متر	مسافت مقابله با خطر (به متر)	=	زمان عکس‌العمل در برابر خطر	×	سرعت اتومبیل در یک ثانیه (به متر)
۱۲	مسافت مقابله با خطر (متر)	=	۰/۶ ثانیه	×	۲۰ متر
۱۴	" " " "	=	" ۰/۷	×	" ۲۰
۱۶	" " " "	=	" ۰/۸	×	" ۲۰
۱۸	" " " "	=	" ۰/۹	×	" ۲۰
۲۰	" " " "	=	" ۱	×	" ۲۰

شما از هر لحاظ از نظر فنی مرتب بوده و نقصی نداشته باشد و در موقع ترمز کردن با سرعت ۷۲ کیلومتر در ساعت به طور تقریبی ۱۸ متر خط ترمز باقی بگذارد مسافتی را که راننده از لحظه رویت خطر تا متوقف شدن لازم دارد که - آنرا مسافت توقف می‌نامند - به شرح ذیل است :

طی می‌کند. به طوری که در محاسبه انجام شده می‌بینید، هر قدر دقت عمل و توجه راننده کمتر باشد، برای اقدام به «عکس‌العمل با خطر» مسافت بیشتری را طی خواهد کرد. همانطوری که ملاحظه شد مسافت عکس‌العمل با خطر بین ۱۲ تا ۲۰ متر برای رانندگان در نوسان است. حال اگر اتومبیل

باید بدانید که اعداد ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۱۸ و ۲۰ به ترتیب دلالت بر آن دارند که یک راننده با سرعت ۷۲ کیلومتر در ساعت از لحظه‌ای که خطر را رویت می‌کند تا موقعی که پایش را روی پدال ترمز می‌گذارد با زمان‌های مقابله با خطر ۰/۶ ثانیه، تا ۱ ثانیه، مسافت‌های ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۱۸ و ۲۰ متر را

متر	مسافت توقف (به متر)	=	طول خط ترمز (به متر)	+	مسافت مقابله با خطر (به متر)
۳۰	مسافت توقف در سرعت ۷۲ کیلومتر در ساعت (متر)	=	۱۸ متر	+	۱۲ متر
۳۲	" " " "	=	" ۱۸	+	" ۱۴
۳۴	" " " "	=	" ۱۸	+	" ۱۶
۳۶	" " " "	=	" ۱۸	+	" ۱۸
۳۸	" " " "	=	" ۱۸	+	" ۲۰

رانندگان توصیه می‌شود در رانندگی سرعت زیاد را انتخاب نکنید زیرا پیوسته خطر تصادف شما را تهدید می‌کند.

محاسبات انجام شده طول خط ترمز به جای مانده ۴ برابر طول خط ترمز سرعت اولیه یعنی (۷۲ کیلومتر در ساعت) خواهد بود.

محاسبات انجام شده در بالا نشانگر آن است که اعداد ۳۰، ۳۲، ۳۴، ۳۶، ۳۸ متر مسافت توقف تقریبی یک راننده با سرعت ۷۲ کیلومتر در ساعت است. حال اگر این راننده ناآگاهانه سرعت خود را به دو برابر یعنی ۱۴۴ کیلومتر در ساعت برساند، برابر

محاسبات انجام شده نشانگر آن است که اگر رانندگان هنگام رانندگی به خوبی

بنابراین اضافه شدن سرعت یعنی افزایش مسافت لازم برای توقف. به

من دانستم رابطه

$$\frac{V1^2}{V2^2} = \frac{L1}{L2}$$

طول خط ترمز سرعت اولیه = L1 سرعت اولیه = V1

طول خط ترمز سرعت ثانویه = L2 سرعت ثانویه = V2

$$\frac{1.8 \text{ متر}}{1.2 \text{ متر}} = \frac{(72 \text{ کیلومتر})^2}{(122 \text{ کیلومتر})^2}$$

یا $\frac{\text{طول خط ترمز اولیه}}{\text{طول خط ترمز ثانویه}} = \frac{2 \text{ (سرعت اولیه)}}{2 \text{ (سرعت ثانویه)}}$

$$L2 = \frac{1.2 \times 122 \times 122 \times 1.8}{72 \times 72}$$

متر طول خط ترمز در سرعت ۱۲۲ کیلومتر در ساعت = ۷۲

یادآور شد:

اصل اول: راننده باید در حال رانندگی با عمق دید بیشتری رانندگی کند.

قطعاً به یاد دارید زمانی که برای اولین بار خواستید دوچرخه سواری یاد بگیرید چگونه موفق شدید. هرگاه چشم خود را به فرمان دوچرخه یا چرخ جلو می‌دوختید بلافاصله به زمین می‌افتادید، اما زمانی که جلوتر و در عمق بیشتری به پیش روی خود نگاه می‌کردید، دوچرخه بر چرخ‌های خود حرکت می‌کرد و شما موفق به رکاب زدن می‌شدید. معمولاً هنگام راه رفتن به پنجه‌های پای خود نگاه نمی‌کنید و غالباً چندین متر جلوتر از قدم‌های خود را می‌بینید و هر گاه سرعت خود را بیشتر کنید (مثلاً بدوید) ناچار هستید عمق دید بیشتری به دست آورید و حداقل به یکصد متر جلوتر از خود نگاه کنید منظور از این اصل، این است که شما در رانندگی حتی‌المقدور فاصله بیشتری در جلو خود را ببینید و عمق دید شما بیشتر باشد. رانندگان باید به عمق مسیری که

توقف ناگهانی در سطح معابر، حرکت با دنده عقب بدون احتیاط، سبقت‌های بیجا، حواس‌پرتی راننده، ضعف بینایی و غیره ...

۲ - علل مکانیکی: این علل از وضعیت وسیله نقلیه، از قبیل حساس نبودن ترمزها- صاف بودن لاستیک‌های اتومبیل - نامیزان بودن نور چراغ‌های جلو وسیله نقلیه در شب - میزان نبودن فرمان اتومبیل - نداشتن برف پاک‌کن در مواقع ریزش باران و برف و غیره ناشی می‌شود.

۳ - علل طبیعی: این علل ناشی از وضعیت جاده و عوامل جوّی مانند وضع جاده - نوع جاده - سطح جاده - نور کم و تاریکی - مه غلیظ - برف و باران - طوفان - گرد و غبار و غیره ... است.

حال با در نظر گرفتن علل فوق می‌توان برای مقابله و پیشگیری از سوانح رانندگی و تصادف، اصولی را که لازم و ضروری است

اصول و مقررات و قوانین رانندگی را رعایت کرده و از چشم و مغز خود تماماً استفاده نمایند، می‌توان گفت که به روش بی‌خطری در رانندگی دست پیدا خواهند کرد. نتایج به دست آمده در بازدید از صحنه‌های متعدد تصادف و همچنین نظر متخصصان و کارشناسان امور تصادفات بر این مبنا استوار است که اغلب تصادفات از بی‌دقتی و عدم توجه رانندگان به مقررات ناشی می‌شود.

به طور کلی عقیده صاحب‌نظران بر این است که سوانح رانندگی و تصادفات به هیچ‌وجه از بدشانسی و به طور اتفاقی پیش نمی‌آید. به عبارت دیگر هر حادثه‌ای علتی دارد و اگر رانندگان این علت‌ها را بشناسند و آنها را از میان بردارند هرگز دچار حادثه نخواهند شد. یا با زبان گویاتر می‌توان گفت: **علت تصادف عاملی است که چنانچه وجود داشته باشد تصادف واقع می‌شود و اگر وجود نداشته باشد تصادف واقع نمی‌شود.**

حال که به علت تصادف و تعریف آن پی بردیم می‌توان این علل را از لحاظ نوع و ریشه به سه دسته تقسیم کرد:

« بررسی علل تصادف »

علل تصادف از سه طریق قابل بررسی است: علل «انسانی، مکانیکی و طبیعی»

۱ - علل انسانی: این علل ناشی از وضعیت راننده و عابر است، نظیر سرعت غیرمجاز -

می‌خواهند اتومبیلشان را به آن سو هدایت کنند، توجه بیشتری داشته باشند. تجربه ثابت کرده است که توسعه دادن عمق دید به دورترین نقطه جاده (به مرکز خط عبور) که مسیر حرکت بر روی آن است به راننده امکان تصمیم‌گیری به موقع را می‌دهد و اجازه نمی‌دهد در مقابل عمل انجام شده‌ای قرار گیرد.

بیشتر ترمزهای ناگهانی نشانه آن است که راننده نمی‌تواند اتومبیل خود را به خوبی کنترل نموده و عمق دید لازم را به دست آورد.

در زمان رانندگی نباید حواس شما متوجه اتومبیل باشد. بلکه آنچه حائز اهمیت است، آن است که متوجه باشیم اتومبیل به کجا می‌رود. در شرایطی که دید کافی وجود ندارد و نمی‌توانید عمق زیادی را ببیند لازم است، بلافاصله سرعت خود را تعدیل نمایید تا میدان دید کافی به دست آورید. راننده‌ای که عمق دیدش کم و محدود باشد چنانچه با مشکلی در سمت راست خود مواجه شود، با دست پاچگی و به صورت خطرناکی فرمان اتومبیل را به چپ می‌چرخاند و حادثه می‌آفریند.

عادت داشتن به دید نزدیک، رانندگی را مشکل و راننده را عصبانی بار می‌آورد به طوری که با کوچکترین ناملایمتی از خود بیخود شده حرکات خطرناکی از او سر خواهد زد. چنین راننده‌ای تنها چند متر جلوی راه خود را می‌بیند و از حوادثی که ممکن است کمی جلوتر از او رخ داده باشد آنقدر بی‌اطلاع می‌ماند تا ناگهان با آنها روبرو شود و این زمانی است که قدرت تصمیم‌گیری از او سلب شده است. بنابراین «گسترش عمق دید در

رانندگی» مانع به وجود آمدن پیش‌آمدهای غیر منتظره می‌شود؛ خاصه به هنگام سرعت گرفتن یا ترمز کردن به موقع. اقدام صحیح قبل از وقوع حادثه به انسان فرصت کافی می‌دهد و راننده خواهد توانست همه چیز را قبل از رسیدن به آن در نظر بیاورد.

اصل دوم: راننده باید در حال رانندگی میدان دید خود را توسعه دهد.

مفهوم این اصل آن است که هنگام رانندگی حتی‌المقدور تصویر بزرگتری از میدان دید جلو خود داشته باشیم. مقصود از میدان دید وسیع آن است که از طرفین سپر جلو اتومبیل پیاده‌روها را تا عمق حدود ۱۵۰ متر بتوانیم ببینیم. داشتن میدان دید وسیع‌تر باعث می‌شود که در حین حرکت اشیائی را که ممکن است به نحوی از انحاء در مسیر حرکت اثری داشته باشند، مد نظر قرار داده سپس تصمیم لازم را اتخاذ کنیم.

برای اینکه بتوانیم میدان دید خود را توسعه دهیم باید از قرار گرفتن در پشت وسائط نقلیه‌ای که مانع دید می‌شوند، بپرهیزیم.

چه بسیار اتفاق می‌افتد که اتوبوسی در کنار جاده توقف کرده، مسافری از آن پیاده می‌شود و برای عبور از عرض خیابان یا جاده از جلوی اتوبوس عبور می‌کند. راننده‌ای که میدان دید کافی نداشته باشد، این مسافر را نمی‌بیند و ناگهان با او برخورد می‌کند بی‌آنکه فرصتی برای ترمز کردن یا توقف قبل از تصادف داشته باشد. لذا برای تأمین میدان

دید کافی در حین رانندگی باید فاصله مناسبی را که حداقل به ازاء هر ۱۵ کیلومتر سرعت یک طول اتومبیل است، در نظر گرفته شود.

آمارها نشان می‌دهند که درصد بیشتری از تصادفات غالباً در جاده‌های روشن خوب و کم تردد اتفاق می‌افتد و علت واقعی این حوادث غالباً ندیدن خطر و تشخیص ندادن موقعیت است که به همان نبودن میدان دید کافی منتهی می‌شود. لذا رانندگان هنگام عبور از یک مسیر دائماً با وضع و شرایط متغیری برخورد می‌کنند و هر لحظه صحنه‌ای دیگر با شرایط خاص خود در مقابل چشمان او پدیدار می‌شود.

هر راننده‌ای در چنین شرایطی با نگاه کردن به طرفین و جلو و عقب (از داخل آئینه) میدان دید متفاوتی خواهد داشت. مثلاً وقتی راننده از پشت فرمان اتومبیل به جلو نگاه می‌کند، منظره‌ای به پهنای عرض خیابان یا جاده و عمق قابل توجهی را می‌بیند به طوری که او هر قدر میدان دیدش را توسعه دهد، مناظر بیشتری را تحت کنترل خواهد داشت.

تجربه ثابت کرده است وقتی که راننده فاصله ۳۰ متر جلوتر از اتومبیل خود را نگاه کند، میدان دید او به شعاع تقریبی ۲ متر خواهد بود، اما اگر راننده فاصله دورتری را در دید خود داشته باشد، شعاع میدان دید او بیشتر خواهد شد و تسلط او در رانندگی بیشتر می‌شود. یک راننده خوب آن است که بتواند در فاصله و زمان معینی عملیات رانندگان دیگر را پیش‌بینی کرده و راه صحیحی را برای خودش اتخاذ کند تا با خطر تصادف مواجه نشود. او باید به



توسعه دادن میدان دید، خود را عادت دهد و همواره تلاش کند که در حین رانندگی میدان دید بیشتری برای خود ایجاد کند.

البته این کار را بایستی تعدیل سرعت در شرایط مختلف انجام دهد. عادت داشتن به وسعت میدان دید، راننده را از توجه غیرضروری به اشیاء بر حذر داشته و به او هشدار می‌دهد که چگونه قبل از وقوع حادثه تصمیم لازم را اتخاذ کند. در مواردی که میدان دید محدود است، باید فاصله بیشتری را رعایت نموده یا اینکه نسبت به تعویض خط‌السیار اقدام کرد.

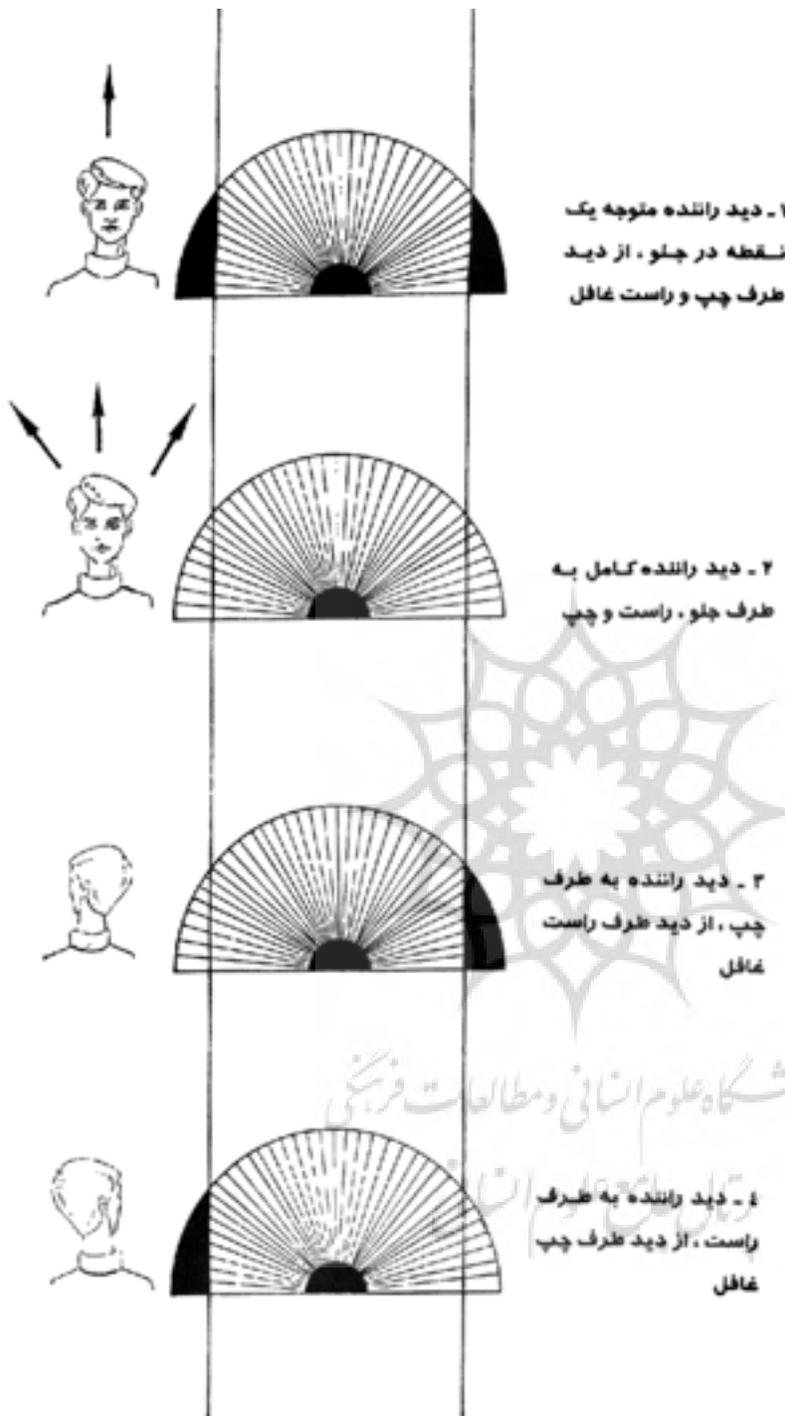
کلید موفقیت برای عادت کردن به وسعت دادن میدان دید، تمرین است؛ به طوری که راننده باید مدتی تمرین کند تا در حین رانندگی بتواند با تعدیل سرعت و یا تغییر مسیر، میدان دید بزرگتری برای خود ایجاد کند.

اصل سوم: راننده باید هنگام رانندگی چشمان خود را مرتباً حرکت دهد.

اصولاً چشم انسان از نظر دید به دو قسمت تقسیم می‌شود.

۱ - دید مرکزی ۲ - دید نامشخص

در دید مرکزی راننده اشیاء را واضح و دقیق می‌بیند ولی زاویه آن بسیار کم است. در دید نامشخص، راننده اشیاء را به وضوح نمی‌بیند فقط نسبت به تاریکی و روشنی و اشکال کوچک و بزرگ حساس است. یکی از معمول‌ترین پاسخ رانندگان بعد از هر تصادف آن است که می‌گویند «متوجه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نشدیم» یا «آن را ندیدیم» گاهی امکان دارد مانند شکل شماره ۱ که راننده به نقطه‌ای خیره شده از دید نامشخص طرف راست و چپ خود غافل مانده صرفاً حواس خود را به دید مرکزی محدود کند و از حرکت اشیائی که در قسمت‌های نامشخص دیدش قرار دارند، غافل بماند. معمولاً این‌گونه تصادفات که بر اثر خیره شدن به یک نقطه به وقوع می‌پیوندد خطرناکترین نوع تصادفات هستند. تنها چاره آن است که راننده مرتباً چشمان خود را به طرف چپ و راست حرکت داده و حداقل هر ۱۰ ثانیه یک بار از داخل آئینه جلو یا بغل حرکت وسائط نقلیه پشت سر خود را زیر نظر داشته باشد.

به طور کلی باید گفت تا زمانی که چرخ‌های اتومبیل در حرکت است، مانند شکل شماره ۲ راننده باید مرتباً چشمان خود را به طرف چپ و راست بگرداند تا از حرکت اشیائی که در قسمت‌های نامشخص دیدش قرار دارند غافل نماند.

یک راننده ماهر و باتجربه به خوبی می‌داند که چشم دوختن به یک نقطه معین در رانندگی کار بسیار خطرناکی است و باید به حرکت دادن چشم خود عادت کند. گاهی اتفاق می‌افتد که یک منظره زیبا یا یک صحنه جالب در طرف چپ و یا راست جاده مانند شکل‌های ۳ و ۴ توجه و نظر راننده را به خود جلب می‌کند. در اینجاست که احتمال خطر زیاد می‌شود زیرا راننده در اثر توجه به هر طرف، دید طرف دیگر را از دست می‌دهد. البته نگاه نکردن به نقاط دیدنی در زمان رانندگی کار مشکلی است ولی ضرورت دارد که راننده خویشتن را به این کار مشکل

عادت دهد. در بیابان‌ها که معمولاً جاده یکنواخت و ملال‌آور است، تنها خیره شدن به جلو ممکن است راننده را به سوی خطر سوق دهد یا خواب بر چشمان او مسلط شود، تنها با حرکت دادن چشم به اطراف است که این مشکل برطرف می‌شود.

اصل چهارم: راننده باید همیشه زمان رانندگی راه گریزی برای خود باقی بگذارد.

مفهوم این عبارت آن است که راننده باید همیشه اتومبیل خود را از محلی که اطراف آن کاملاً امن و بی‌خطر است هدایت کند و چنان حرکت کند که هنگام احساس خطر، راه گریزی از صحنه تصادف داشته باشد. مسافت کافی برای ترمز کردن بدون برخورد از ضروریات رانندگی است و راننده باید خود را در موقعیتی نگاه دارد که هنگام اضطرار بتواند با گرداندن فرمان یا ترمز کردن خود را از مهلکه نجات داده و به نقطه امنی برساند.

به عبارتی (نگذارید چرخ‌های اتومبیل شما از دیدتان جلوتر حرکت کند) گاهی اوقات رانندگان خود را در تله‌ای می‌اندازند که راه نجات از آن مسدود است. به طور مثال با سرعتی رانندگی می‌کنند که با وضع جاده متناسب نبوده و خود را آن‌چنان در دام سرعت می‌اندازند که اگر به علت احساس خطر بخواهند ناگهان ترمز کنند در خواهند یافت که خیلی دیر شده است. غالباً تصادفات زمانی به وقوع می‌پیوندد که انتظار وقوع آن

نمی‌رود و گرنه علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد.

چه بسا اتفاق می‌افتد که اتومبیلی بین دو کامیون یا اتوبوس واقع می‌شود و از جلو و عقب پیوسته مورد تهدید قرار می‌گیرد در این صورت اگر یک حالت اضطراری برای هر کدام از آنها پیش آید موجودیت بقیه هم به خطر خواهد افتاد.

در این‌گونه موارد لازم است بلافاصله با مهارت و دقت از این دام خارج شده، میدان و عمق دید کافی برای یک رانندگی سالم و بی‌خطر را به دست آورد. راننده‌ای که مهارت کافی نداشته باشد هموار خودش را در موقعیت‌های خطرناک و جاهای تنگ گرفتار می‌سازد و تلاش نمی‌کند که با تعدیل سرعت، خود را در موقعیت امن‌تری قرار دهد، به طوری که در این‌گونه موارد لازم است فاصله را با اتومبیل جلوئی بیشتر کند.

در مواردی که راه باز نیست و مسیر حرکت را نمی‌توان عوض کرد، راه گریز آن است که از **منتهی‌الیه سمت راست جاده** حرکت کند. سرعت همواره یکی از عوامل خطرناک تصادف بوده و خواهد بود. کمی و زیادی سرعت بستگی به شرایط موجود راه دارد و گاهی اتفاق می‌افتد که سرعت کم خطرناکتر از سرعت زیاد است. در سربالائی‌ها که اتومبیل طرف مقابل دیده نمی‌شود و نیز در سر پیچ‌ها و هنگام گردوغبار راه گریز از دام خطر کاهش سرعت است. با سرعت کم، راننده خواهد توانست تسلط خود را بر اتومبیل و جاده حفظ کند. یک راننده خوب کسی است که موقعیت‌های حساس را دریابد و به موقع



شما باخبر شوند.

راننده قبل از برخورد با یک موقعیت خطرناک باید به وسیله علائم مشخص رانندگی موقعیت خویش را به دیگران اطلاع دهد.

در سه مورد است که عابران و رانندگان ممکن است از حرکت شما باخبر نباشند و این عدم اطلاع آنها خطرانی به بار آورد.

اول: موقعی که اتومبیلی در مسیر جلو قرار گرفته و به علت عدم دید کافی به حق تقدم شما توجهی نکند. در این حالت اگر شما متوجه شدید که با وجود علامتی که می‌دهید باز به حق تقدم شما پی نمی‌برد بهتر است از علامت دیگری که حتماً توجه او را جلب کند استفاده کنید.

« در رانندگی همواره سعی بر آن داشته باشید برای هر علامتی که

یک راننده ماهر و باتجربه به خوبی می‌داند که چشم دوختن به یک نقطه معین در رانندگی کار بسیار خطرناکی است و باید به حرکت دادن چشم خود عادت کند

گذشته باشد. با استفاده از این علائم باید دیگران را از تصمیم خود با خبر کنید تا حرکتشان را با حرکت شما هماهنگ کنند.

در رانندگی ممکن است شما به طور کامل روی دیگران حساب کنید و فکر کنید که حتماً مقررات را رعایت خواهند کرد، در حالی که تمام حساب‌ها درست از آب در نمی‌آید و چه بسا که دیگران به کلی از وجود شما بی‌خبر و حواسشان جای دیگری باشد. پس تنها این مهم نیست و یا تنها این کافی نیست که شما دیگران را ببینید و مقررات را هم رعایت کنید، بلکه باید خود را قانع کنید که دیگران هم شما را ببینند و از تصمیم‌های

تصمیمی صحیح اتخاذ کند تا موارد مشکوک به موقعیت‌های خطرناک تبدیل نشود. منظور اصلی از داشتن راه گریز آن است که در هر وضعی تسلط و کنترل از دست نرود و راننده ناچار نشود با شتاب و دلهره برای نجات از خطر و فرار از حادثه اقدام کند.

رانندگانی که در تقاطع راه‌ها، سرعت اتومبیلشان زیاد است، امکان آن را ندارند که از لیز خوردن و چرخش اتومبیل‌هاشان هنگام ترمز کردن جلوگیری کنند.

در زمان توقف باید اتومبیل را چنان نگاه داشت که موقع حرکت مجبور به عقب رفتن نشود، زیرا رانند اتومبیل به عقب هیچگاه خالی از خطر نبوده و در بعضی مواقع اتفاق افتاده است که در حرکت به عقب به علت نداشتن دید کافی، اتومبیل با کودکان، حیوانات یا اشیاء دیگر برخورد کرده است.

اصل پنجم: راننده باید هنگام رانندگی دیگران را از وجود خود آگاه کند.

بعضی رانندگان در زمان رانندگی و گاهی بعد از تصادف جملاتی نظیر « من او را ندیدم » یا « او مرا ندید » یا « من نمی‌دانستم او می‌خواهد به طرف چپ بپیچد » و مواردی از این قبیل را اظهار می‌نمایند که هیچکدام دردی را دوا نمی‌کند. بوق، چراغ، علامت راهنما، تماس چشم به چشم و علامت دادن با دست، همه و همه وسائل موثری برای ارتباط شما با دیگر رانندگان و عابران است. از این وسایل باید به موقع و به خوبی استفاده شود نه زمانی که کار از کار



دوم: مورد دیگری که ممکن است راننده‌ای برای شما ایجاد مزاحمت کند آن است که شما پشت فرمان نشسته باشید ولی ندانید اطراف شما چه می‌گذرد. یک راننده باتجربه قبل از وقوع حادثه موقعیت پشت سر را در نظر می‌گیرد و به رانندگان پشت سر خود علامت‌های لازم را می‌دهد.

سوم: سبقت گرفتن از اتومبیل دیگری که راننده آن شما را نمی‌بیند و نمی‌داند که می‌خواهید از او سبقت بگیرید مورد مخاطره‌آمیز دیگری به شمار می‌آید. زمانی که جهت حرکت شما با این راننده یکی است و به اصطلاح همسو هستید، اتومبیل خود را پشت اتومبیل او از نظر دیگران پنهان نکنید، ضمناً در حال سبقت، شک و تردید را کنار بگذارید و اگر اطمینان ندارید که طرف مجاور، شما را می‌بیند، بوق بزنید یا علامت مناسب دیگری بدهید به طوری که نه تنها شما دیگران را ببینید بلکه دیگران هم شما را ببینند و از وجود شما آگاه شوند.

از نتایج حاصل شده از پنج اصل پیشنهادی چنین استنباط می‌شود که رانندگان باید همیشه در زمان رانندگی با روش تدافعی رانندگی کنند؛ زیرا در دنیای شلوغ ترافیک، هر لحظه ممکن است کسی مقررات را نقض کند و یا اصول رانندگی و مقررات راهنمایی را رعایت نکند. در نتیجه خودش و شما را به خطر بیندازد. رانندگی کار آسانی نیست. راننده در تقاطع راه به چراغ سبز می‌رسد و راه خود را به این خیال که دیگران از پهلو نخواهد آمد ادامه می‌دهد،

رانندگان باید همیشه در زمان رانندگی با روش تدافعی رانندگی کنند؛ زیرا در دنیای شلوغ ترافیک، هر لحظه ممکن است کسی مقررات را نقض کند و یا اصول رانندگی و مقررات راهنمایی را رعایت نکند. در نتیجه خودش و شما را به خطر بیندازد

اما ناگهان می‌بیند یک دوچرخه‌سوار مثل اجل معلق جلوی او سبز می‌شود.

دوچرخه‌ها - گاری‌های دستی و بسیاری از عابران در سطح سواره رو چنان عملکردی دارند که گویا با رانندگان سر لج و لجبازی دارند. گاهی عمداً و گاهی سهواً مقررات رانندگی را نقض می‌کنند. در چنین وضعی تنها چاره آن است که راننده حالت دفاعی به خود گرفته با روش تدافعی رانندگی کند، درست مثل کسی که در میدان جنگ است و هر لحظه ممکن است از گوشه‌ای تیر یا نیزه‌ای به سوی او پرتاب شود و او باید سپر بدست منتظر و آماده دفاع باشد.

رانندگی با روش تدافعی باعث می‌شود که راننده به امید این ننشیند که دیگران به طور حتم مقررات را رعایت می‌کنند. بنابراین او همواره منتظر خطر خواهد بود و چون منتظر است در نتیجه آماده دفاع است. در حقیقت روش تدافعی هماهنگ کننده پنج اصلی است که قبلاً به تفصیل شرح آن گذشت. هم‌اکنون به طور خلاصه اشاره‌ای به آن داریم:

(۱) با نگاه به نقاط دورتر و توجه به مرکز خط عبور در یک خط‌السیار صحیح حرکت کنید و سعی داشته باشید که عمق دید خود را

افزایش دهید.

(۲) میدان دید شما باید پیاده روه‌ای اطراف جاده و نیز چند صدمتری جلوی اتومبیل را پوشش داده تا همه اشیاء موجود در مسیر حرکت شما به خوبی دیده شوند؛ به طوری که این میدان با افزایش سرعت باید توسعه یابد. (۳) چشمان خود را مرتباً حرکت داده از خیره شدن به نقطه خاصی بپرهیزید و حداقل هر ۱۰ ثانیه یک‌بار از داخل آئینه جلو موقعیت و حرکت وسایط نقلیه پشت سر خود را زیر نظر داشته باشید.

(۴) راه‌گزینی برای خودباقی بگذارید، تا در تله ترافیک و مخمصه سانحه نیفتید و نگذارید سرعت شما از دید شما افزایش یابد. اتومبیل خود را هیچگاه در مسیر دیگران گرفتار دام نکنید.

(۵) دیگران را از وجود خود با خبر کنید، از وسایل صوتی و ارتباطی خود نظیر بوق، نور چراغهای جلو، علامت راهنما و دست‌ها به طور صحیح استفاده کنید.

توجه: در سفرهای دور و دراز توصیه می‌شود همین‌که خسته شدید فوراً توقف کنید و پس از کمی استراحت سپس به راه خود ادامه دهید.

به کلیه رانندگان توجه داده می‌شود پنج اصلی را که در مورد رانندگی بی‌خطر عنوان شده چنانچه به دقت مد نظر قرار دهید و هنگام رانندگی دستورالعمل‌های پنج اصل پیشنهادی را که می‌توان آن را رانندگی با روش تدافعی بنامیم به کار ببندید، در طول سفر چه درون شهری و کوتاه مدت و چه برون شهری و بلند مدت هیچگاه خطری متوجه شما نخواهد شد.

